

آتش سوزی در بازارچه‌ای در منطقه شادآباد باتلاش آتش نشانان ۱۱ایستگاه مهار شد. جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش نشانی تهران در تشریح این حادثه به جام‌جم گفت: ساعت ۱۴ و ۷دقیقه روزشنبه آتش سوزی در یک بازارچه در منطقه شادآباد تهران به آتش نشانی گزارش شد. با توجه به وسعت آتش سوزی، آتش نشانان ۱۱ایستگاه همراه ۱۱تانکر آب و خودروی فوماتیک راهی محل شدند و از چند جهت عملیات اطفای حریق را آغاز

### آتش سوزی گسترده در شادآباد



جهت به اطفای حریق پرداختند. این آتش سوزی براساس آمار اولیه کشته و مصدومی نداشته و علت آن هنوز مشخص نشده است. محمد اسماعیل توکلی، رئیس مرکز اورژانس تهران هم گفت: ساعت ۱۴ روز شنبه یک مورد حادثه حریق در شادآباد بازار آهن نبش پلوک آذر در انبار چسب به سامانه ۱۱۵ اعلام شد و بلافاصله پنج دستگاه آمبولانس، سه دستگاه موتورلانس و دو دستگاه اتوبوس آمبولانس به محل حادثه اعزام شد.

کردند. وی ادامه داد: انباشت هزاران افشانه، چسب ولوله در این منطقه باعث آتش سوزی مهیب و دود زیادی شده بود. حدود ۱۰دستگاه خودروهم در میان آتش گرفتار شده‌ودر حال سوختن بودند. مغازه‌های این انبار دو طبقه و حجم مواد قابل اشتعال در آن بالا بود. ملکی خاطرنشان کرد: انبارهایی که در آن محل به صورت موقت ساخته شده‌بود به‌گسترش آتش کمک می‌کرد. چندتانکر آب شهرداری هم به محل آمدند و آتش نشانان از چند

# ناگفته‌های قتل خانم معلم و سه دخترش

## افشای این جنایت هولناک، با واکنش مردم در فضای مجازی روبه‌رو شده و خواستار مجازات عاملان این قتل عام شده‌اند

راننده‌ها تغییر می‌کرد. صدای باند ماشین را هم زیاد کرده بودند تا اگر محمدامین کمک خواست، کسی صدا را نشنود. در ادامه مرد قاتل به خانه برگشت تا با کشتن پدر خانواده، کار را تمام کند و پلیس هم طی یک عملیات تعقیب‌وگریز زن قاتل را درحالی‌که پشت فرمان پژوی پدر خانواده نشسته و محمدامین هم دست و پا بسته بود، دستگیر کرد. پلیس به پدر خانواده گفت که پسرش را دست‌وپا بسته در صندوق عقب ماشین پیدا کردیم و برو خانه همسایه‌ات.

پدر رفت و تقریباً همزمان با او، مرد قاتل با پیکان خودش هم مقابل خانه رسید. پدر خانواده به او گفت: رنت را یاسگاه گرفته و بگو زن و بچه من‌کجا هستند که مرد گفت خبر ندارم و تازه به خانه برگشته‌ام. پدرگفت اگر راست می‌گویی دررابازکن. او هم در دراباز کرد و خودش جلورفت و برادرش هم پشت سرش که یک‌دفعه برادرش جسد همسرش را دید. هدف مرد این بود که برادرش را به داخل کشاند و به قتل برساند. برادرش به محض دیدن جسد همسرش از خانه به‌سرعت و فریادزنان بیرون آمد. مرد قاتل در اعترافتش گفته بود که می‌خواستیم همه را بکشیم. همزمان نیروهای نظامی نیز از راه رسیده و مردم هم جمع شدند. قاتل دستگیر شد و پس از حضور رئیس پلیس آگاهی مرکز شهرستان، اجساد به پزشکی قانونی منتقل شد. قاتلان به ارتکاب چهار قتل اعتراف کرده و گفتند قصد کشتن تمام اعضای خانواده را داشتیم. بنا داشتیم پس از قتل همگی، اجساد را درون خودروی آنها قرار داده و پس از انتقال آن به گردنه، درون دره بیندازیم تا صحنه جنایت را تصادف جلوه دهیم و سپس برگردیم به همان خانه و زندگی‌مان را ادامه دهیم.

برادر مرد ادامه داد: ارزش طلاهای همسربرادرم حدود یک میلیارد تومان بود و این‌که گفته شده او طلا می خریده و به زن همسایه می‌گفته، صحت ندارد. آنها در خانه‌گاوصندوق هم نداشتند و اشتباه محاسباتی این زن‌وشوهر بود. برادرش و همسرش هردو معلم بودند و برادرش به‌عنوان شغل دوم عصرها سراغ‌لوله‌کشی‌ونصب‌کناف می‌رفت. قاتلان از ساعت ورود و خروج خانواده برادرش اطلاع کامل داشتند. زن‌برادرش حتی نزد برادرش علی که خانه متعلق به او بودگفت که اینهادست‌شان تنگ است و برای همین برادرش از دریافت اجازه‌بها منصرف شده بود.



پژو پارس برادرش را برداشت و حرکت کردند. گویا پیکان خودشان هم سرقی بود. آنها محمدامین را اگرگان گرفتند تا در صورت لزوم برای فرار از او استفاده کنند.»

شبه‌نگام وقتی پدر برگشت، خانه در سکوتی مرگبار فرو رفته بود. صدای هیچ‌کدام از عزیزانش نمی‌آمد. بانگرانی بابرادرش راوباطلب تماس گرفت و گفت در خانه باز است و ماشین هم نیست. برادرش از اوپرسیدردیاب‌پژوکجا رانشان می‌دهد و پدر گفت یکی از روستاهای اطراف را که حدود ۲۰ دقیقه با بیرم فاصله دارد. همان لحظه عمومی بچه‌ها به همراه دونظامی دیگر به سمت محلی که ماشین در حال تردد بود، حرکت‌کردند. زن و شوهر در این مسیر چندبار تصادف کرده و هربار جای

برادرش در خانه‌گاوصندوق دارد که سراغش را از برادرشام گرفت و او هم گفت نداریم. مرد چرخي زده بودند. سپس برای این‌که خون بچه‌ها صحنه جنایت را روند‌ده، اجساد را به حیاط برده و از نیمه کمر داخل یک دبه ۲۰ لیتری آبی رنگ قرار دادند تا خون‌شان داخل دبه بریزد. بعد سراغ آوا دختر بزرگ خانواده رفتند و گفتند بیا مادرت کارت دارد. آوارا هم ابتدار تشت آب حمام خفه کرده و بعدرگ گردش را زدند. بعد از قتل آوا، مرد قاتل صورتش را پوشانده و سراغ محمدامین پسر ۱۲ ساله خانواده رفت که بسرادرزاده‌ام جا خورد و گفت عمو چرا اینطوری هستی که مردگفت من نقش درذ را بازی می‌کنم و تو نقش پلیس. بعد داستان برادرزاده‌ام را از پشت با چسب بست. مرد قاتل فکر می‌کرد



شاهرگ‌شان را زدند. آنها پیش از آرام و جانان نیز زن‌برادرش را چسب‌کاری‌کرده و با تیغ، شاهرگش را زده بودند. سپس برای این‌که خون بچه‌ها صحنه جنایت را روند‌ده، اجساد را به حیاط برده و از نیمه کمر داخل یک دبه ۲۰ لیتری آبی رنگ قرار دادند تا خون‌شان داخل دبه بریزد. بعد سراغ آوا دختر بزرگ خانواده رفتند و گفتند بیا مادرت کارت دارد. می‌کنند. زن مستاجر هم در مراسم بود و مدام از طلاهای همسربرادرم عکس و فیلم می‌گرفت و برای شوهرش می‌فرستاد.»

به گفته عمومی مقتولان، این زن‌وشوهر طبق اقراریر خود در آگاهی تصور می‌کردن زن همسایه طلاهای بسیاری هم در خانه دارد و همین باعث شد تا نقشه قتل را بکشند: «روز جنایت و زمان غروب وقتی سجاده نماز همسربرادرم هنوز پهن بود، زن همسایه از او خواست تا نحوه آماده‌کردن رنگینک را آموزش دهد. زن‌برادرم هم رفت. دو دختر کوچکش آرام و جانان گفتند ما هم می‌آییم‌که مادرشان گفت مشق‌هایتان را بنویسید. مدتی بعد آرام و جانان پشت در بین دو خانه آمدند. زن همسایه در رابازکرد و آنها را به خانه برد. پس از ورود به خانه، آنها‌راه‌های تنفسی و سروصورت بچه‌ها را با چسب پوشانده و با چاقو

**لیلا حسین‌زاده**  
آگروه حوادث

خانواده اهل بیرم استان فارس، بسیاری از اهالی این شهرستان و مردم در شوک وقوع این جنایت هستند. قاتلان این جنایت هولناک که زن و شوهر هستند دستگیر شده و به‌گفته یکی از بستگان نزدیک خانواده مقتولان، هر دو به قتل با انگیزه سرقت ملاتعارف کرده‌اند.

دو روز پیش مراسم تشییع پیکر سه دختر هفت، هشت و ۱۳ ساله و همچنین مادر ۴۱ ساله آنان در میان غم و اندوه اهالی بیرم، روستاها و شهرهای اطراف برگزار شد.

ابوطالب خلیلیان، عمومی خانواده درباره جزئیات این جنایت به جام‌جم می‌گوید:«این زن و شوهر چهارماه قبل خانه‌ای را اجاره کردند و با خانواده برادرش اصغر یعنی پدر مقتولان رفت‌وآمد داشتند. زن ۲۵ ساله و مطلقه و مرد هم ۳۰ سال به بالاست. مرد خرمافروش بود و وضعیت مالی مناسبی نداشت. این مرد گویا یک زن و سه بچه در روستای مادرش داشت و این زن دوشش بود. چون در بیرم غریب بودند، همسر برادرش خیلی هوای‌شان را داشت. خانواده برادرش اگر به عروسی یا بازار می‌رفتند، آنها را هم می‌بردند. اگر غذایی درست می‌کردند به این زن و شوهر هم می‌دادند. زن برادرش آموگار و بسیار خونگرم بود. دو سه هفته قبل از این اتفاق، مراسم عروسی یکی از اقوام‌مان بود و این زن و همسربرادرم هم بودند. در منطقه ما زنان از طلاهای سنگین‌وزن در مراسم‌ها استفاده می‌کنند. زن مستاجر هم در مراسم بود و مدام از طلاهای همسربرادرم عکس و فیلم می‌گرفت و برای شوهرش می‌فرستاد.»

به گفته عمومی مقتولان، این زن‌وشوهر طبق اقراریر خود در آگاهی تصور می‌کردن زن همسایه طلاهای بسیاری هم در خانه دارد و همین باعث شد تا نقشه قتل را بکشند: «روز جنایت و زمان غروب وقتی سجاده نماز همسربرادرم هنوز پهن بود، زن همسایه از او خواست تا نحوه آماده‌کردن رنگینک را آموزش دهد. زن‌برادرم هم رفت. دو دختر کوچکش آرام و جانان گفتند ما هم می‌آییم‌که مادرشان گفت مشق‌هایتان را بنویسید. مدتی بعد آرام و جانان پشت در بین دو خانه آمدند. زن همسایه در رابازکرد و آنها را به خانه برد. پس از ورود به خانه، آنها‌راه‌های تنفسی و سروصورت بچه‌ها را با چسب پوشانده و با چاقو

#### برش

#### +

## درخواست اعدام در ملاء عام

مردم می‌گویند اینها سابقه‌دار بودند و حتی در روستایی دیگر همین مرد زنی دیگر را چسب‌کاری کرده و طلاهایش را دزدیده اما او را نکشته بود.

#### محکمه

## شکستن حکم اعدام کارگردان تئاتر

کارگردان تئاتر که با شکایت دو هنرجوی دختر به اتهام تجاوز، به اعدام محکوم شده بود با شکسته شدن حکم مجازاتش برای دومین بار محاکمه می‌شود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از سال گذشته و با شکایت دختر جوانی از یک کارگردان در پلیس آگاهی تهران آغاز شد. ریحانه به ماموران گفت: علاقه زیادی به بازیگری دارم و هدفم این است که روزی سوپرستار شوم. یک روز با مرد جوانی آشنا شدم که خود را کارگردان تئاتر معرفی کرد و مدعی بود می‌توانم در آخرین تئاترش ایفای نقش کنم. ارتباط ما از آنجا آغاز شد تا این‌که یک روز به بهانه تمرین مرا به خانه‌اش دعوت کرد. به دلیل اعتمادی که به او داشتم به خانه‌اش رفتم که در آنجا مرا مورد آزار و اذیت قرار داد. بعد از این ماجرا متوجه شدم کارگردان معرفی‌شده کسی نیست و کسی هم در حوزه هنر او را نمی‌شناسد. پس از این شکایت تحقیقات پلیس آغاز شد. در حالی که ماموران در حال بررسی ادعای دختر جوان بودند، شکایت دیگری علیه مرد جوان مطرح شد و این بار هم هنرجوی دیگری از او به اتهام آزار و اذیت شکایت کرد. این دختر هم درشکایت خود گفت: قرار بود در تئاتری که مرد جوان کارگردان آن بود بازی کنم که او با این بهانه مرا فریب داد و در دام خود گرفتار کرد. به این ترتیب پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد و ماموران با دستور قضایی متهم را دستگیر کردند. در جلسه رسیدگی به این پرونده در شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران، یکی از دختران با طرح شکایت خود مدعی شد: این مرد دختران دیگری را هم قربانی جنایت سیاهش کرده که می‌ترسند شکایت کنند. او مرا به اتاق مربوط به صدابرداری برد تا اگر کمک خواستم کسی متوجه نشود. در ادامه متهم در جایگاه ایستاد و گفت: نمی‌دانم چرا این شکایت علیه من مطرح شده است. این دختران دروغ می‌گویند و هیچ اجبار و زوری در کار نبود و آنها با میل خود با من ارتباط برقرار کردند. اتهام تجاوز به عنف را قبول ندارم . قضات دادگاه پس از رسیدگی به این پرونده، حکم به اعدام کارگردان جوان دادند اما با اعتراض او به این حکم، پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد که قضات دیوان عالی با نقض حکم، پرونده را برای رسیدگی دوباره به دادگاه کیفری یک استان تهران باگردانند.

#### محکمه

## باند مرد عنکبوتی در برابر مجازات قطع ید



نقیس ایریشم و تابلو فرش ایریشم را به سرقت مالیاخته‌ها را در خانه یافته و دو میلیارد تومان اموال قیمتی در آن را همراه یک تخته فرش می‌بردند. آنها حتی گاوصندوق مخفی یکی از

#### محکمه

## کشف جسد موکت پیچ مرد تهرانی در خودرویش

پس از کشف جسد مرد گمشده تهرانی در استان البرز، یک سناریوی جنایی مقابل کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

به گزارش جام‌جم، میهرماه امسال، پسر جوانی به یکی از کلاترئی‌های شرق تهران مراجعه کرد و هنگامی که مقابل افسر نگهبان قرار گرفت، گفت: صبح روز گذشته پدر ۶۵ ساله‌ام طبق روال روزانه برای رفتن به محل کار با خودروی «تویوتا کمری سفیدرنگ» از خانه خارج شد اما دیگر بازنگشت؛ تلفن همراهش نیز خاموش است و نگرنایم تا بلایی سرش آمده باشد. پس از ثبت شکایت و تشکیل پرونده در دادسرا، تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی وارد عمل شدند

و در نخستین‌گام از بیمارستان‌ها و سازمان پزشکی قانونی استعلام گرفتند اما اثری از مرد گمشده پیدا نکردند. تیم جنایی در گام بعدی به سراغ اقدامات گسترده اطلاعاتی رفتند و متوجه شدند که خودروی مرد گمشده در استان البرز تردد داشته و در آنجا تلفن همراهش خاموش شده‌است. کارآگاهان پس از دریافت این اطلاعات، دریافتند که مرد گمشده قبل از این‌که تلفن همراهش خاموش شود چند پیامک مبنی بر این‌که برای انجام کارهای شخصی قصد مسافرت به زنجان را دارد به یکی از دوستان خود ارسال کرده که همین موضوع فرضیه وقوع جنایت را بربرنگ کرد.

پس از پایان تحقیقات میدانی در صحنه جرم، کارآگاهان جنایی دایره مبارزه با قتل استان البرز از سوی بازپرس پرونده مأموریت یافتند تا با اقدامات اطلاعاتی، هویت قاتل را شناسایی و سپس نسبت به دستگیری او اقدام کنند.

# جام‌جم

## حوادث

#### INCIDENT

یکشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۳ ۹ شماره ۶۸۷۹

#### 🔍 کوتاه‌ازحوادث

### رهاییی ۶ مامور پلیس از قصاص

شش مامور پلیس سبزار که در جریان تعقیب و گریز و تیراندازی باعث مرگ سه سرنشین یک خودرو شده بودند، پس از ۹ سال کش و قوس قضایی توانستند رضایت اولیای دم را کسب کنند. پیش از این سه بار برای آنها حکم قصاص صادر شده بود که در دیوان عالی کشور نقض شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، آبان ماه سال ۹۴ ماموران نیروی انتظامی سبوزار با دریافت نیابت قضایی، تعقیب یک فرد متهم به قتل رادر تهران در دستور کار خود قرار دادند. متهمان در حال فرار با یک خودرو در اتوبان خاوران شناسایی شدند و ماموران برای متوقف کردن آنها، اقدام به شلیک به سمت خودرو کردند. در اثر تیراندازی پلیس سه نفر از سرنشینان خودرو جان خود را از دست دادند و نفر چهارم به شدت مجروح شد. شش مامور پلیس هم پس از تحقیقات در دادسرا، متهم به مشارکت در سه فقره قتل عمد شدند.

به این ترتیب پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد و هر شش متهم در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند.

در ابتدای جلسه اولیای دم برای متهمان درخواست قصاص کردند. سپس یکی از متهمان در دفاع از خود گفت: «با دریافت نیابت قضایی برای دستگیری چند متهم به قتل و متهم به قاچاق اسلحه که از زاهدان اسلحه وارد سبوزار کرده بودند، از سبوزار به تهران آمدم. ساعت یک بامداد خودروی مورد نظر را شناسایی کردم و کل عملیات تعقیب و گریز ده ثانیه هم طول نکشید. متهمان اسلحه و قمه داشتند و با نور بالا جلوی دید ما را می‌گرفتند. از ۴۰ متر شلیک شده حدود ۲۰ گلوله را هوایی زدیم و بقیه تیرها را به زمین یا بدنه ماشین شلیک کردم و قصد کشتن آنها را نداشتم.» در پایان شش مأمور پلیس به قصاص محکوم شدند، اما این حکم در دیوان عالی کشور نقض و متهمان برای دومین بار محاکمه شدند. این بار نیز آنها به قصاص محکوم شدند، اما رأی صادره از سوی قضات ششبه ۴۷ دیوان شکسته شد، به این ترتیب پرونده به دادسرا ارسال و بعد از کامل شدن تحقیقات و رفع نواقص، برای سومین بار روی میز هیات قضایی شعبه دوم دادگاه قرار گرفت. در آن جلسه متهمان بار دیگر از خودشان دفاع کردند. در پایان هیات قضایی با وجود انکار متهمان، اما با توجه به مدارک در پرونده و شواهد موجود، هر شش مأمور پلیس را برای سومین بار به قصاص محکوم کرد. این بار هم حکم نقض و پرونده به شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد اما پیش از رسیدگی به پرونده، اداره حقوقی قراچا و خانواده متهمان با پیگیری و تلاش توانستند رضایت خانواده سه مقتول را جلب کنند. به این ترتیب شش مامور پلیس از جنبه عمومی جرم محاکمه شده و با توجه به بازداشت آنها در طول تحقیقات، حکم به حبس آنها معادل دوران بازداشت را صادر کردند.

### پایان دعوای زنانه با اسیدپاشی

زن میانسال هدف اسیدپاشی همسایه کینه‌جویش قرار گرفت و مصدوم شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، زن ۵۰ساله‌ای روزهای پایانی هفته گذشته با حضور در شعبه نهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از زن همسایه‌اش به اتهام اسیدپاشی شکایت کرد. پرونده با دستور قضایی برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی تهران ارسال شد و شاکي در جریان این تحقیقات گفت: چند سال است در یکی از محله‌های جنوب‌غربی تهران زندگی می‌کنم. زنی در همسایگی‌ام زندگی می‌کند که به من و شرایط زندگی‌ام حسادت می‌کند. به همین خاطر بر سر مسائل مختلف مدام با من دعوای‌کرد و به رفتارهای اعتراض داشت. چند روز پیش وقتی ساختمان خلوت بود او به بهانه آشتی مقابل خانه‌ام آمد. وقتی در را باز کردم او مدعی شد که می‌خواهد هر اتفاقی در گذشته برایمان افتاده را فراموش کنیم. با شنیدن این حرف‌ها تعجب کردم. بدن و چهره‌ام پاشید. او همسایه‌ها درخواست کمک کردم که در جریان تحقیقات معلوم شد مردی ۳۳ ساله با سلاح گرم اقدام به تیراندازی به سمت اعضای خانواده همسرش کرده که در نتیجه این تیراندازی همسر و برادر همسرش به قتل رسیده و قاتل متواری شده است. سرانجام مخفیگاه قاتل در کمتر از ۲۸ ساعت در استان تهران شناسایی و ماموران با عزیمت به آنجا در یک عملیات ضربتی و غافلگیرانه متهم را همراه فردی که در فراری دادن و اختفای وی نقش داشت، شناسایی و بازداشت کردند. متهم با اعتراف به قتل، علت و انگیزه خود را اختلاف همسایه و تحقیقات از او درباره این اسیدپاشی صادر شد.

### بازداشت قاتل خواهر و برادر

مردی که دربی اختلاف خانوادگی، همسرش و برادر او را به قتل رسانده بود، بازداشت شد. سرهنگ احمد ساکی، فرمانده انتظامی ملایر استان همدان در این باره به سایت پلیس گفت: در بی اطلاع مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک فقره قتل در یکی از روستاهای شهرستان ملایر بلافاصله ماموران پاسگاه «چوزان» به محل اعزام شدند. در جریان تحقیقات معلوم شد مردی ۳۳ ساله با سلاح گرم اقدام به تیراندازی به سمت اعضای خانواده همسرش کرده که در نتیجه این تیراندازی همسر و برادر همسرش به قتل رسیده و قاتل متواری شده است. سرانجام مخفیگاه قاتل در کمتر از ۲۸ ساعت در استان تهران شناسایی و ماموران با عزیمت به آنجا در یک عملیات ضربتی و غافلگیرانه متهم را همراه فردی که در فراری دادن و اختفای وی نقش داشت، شناسایی و بازداشت کردند. متهم با اعتراف به قتل، علت و انگیزه خود را اختلاف خانوادگی عنوان کرد.